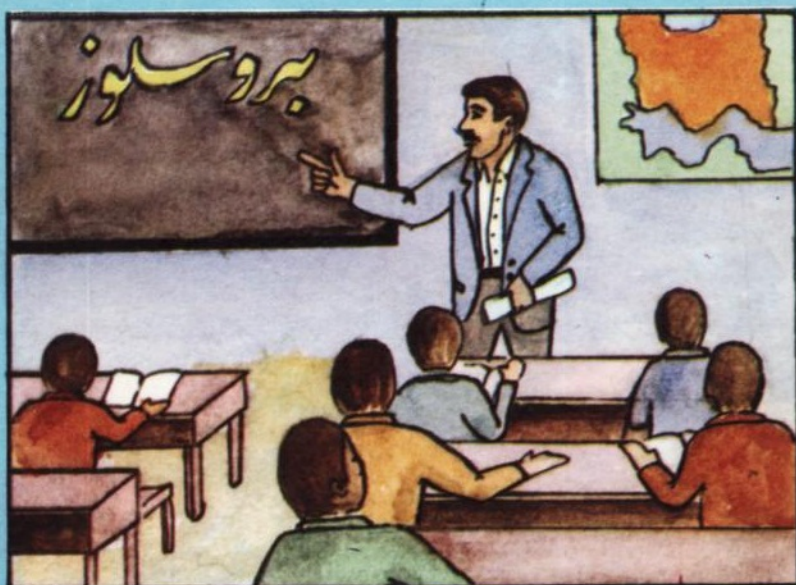


وزارت کشاورزی
سازمان ترویج کشاورزی



درس انشاء « بروسلوز »
بیماری واگیر بچه اندازی در دامها
و تب مالت در انسان

نویسنده: هوشنگ فرحزاد کارشناس ترویج کشاورزی

از انتشارات سازمان ترویج کشاورزی سال ۱۳۶۸

((بنام خداوند بخشنده مهربان))

تذکره آقایان و بانوان دانشمندان و نویسندگان

بچه‌های مدرسه راهنمایی روسای کند و کار با صدای زنگ مدرسه
که توسط ناظم مدرسه بعداً در آنجا در آنجا بطرف کلاسها منتسوم

وزارت کشاورزی

سازمان ترویج کشاورزی

مبصر کلاس، مضمون می‌کرد، بچه‌ها را نگاه نماید. بپوشش
ساکت! ساکت!! و با دست چندبار روی نیمکت گوید.
آقا معلم وارد کلاس سوم الف آمد، مبصر با صدای بلند گفت
- بریا!!

درس انشاء (بروسلوز)

بیماری واگیر بچه‌اندازی در دامپه‌ها

و

تب مالت در انسان

نویسنده: هوشنگ فرحزاد - کارشناس ترویج کشاورزی

از انتشارات سازمان ترویج کشاورزی

سال ۱۳۶۸

۲۹۱۲۲۱ - ۲۹۱۲۲۲ - ۲۹۱۲۲۳ - ۲۹۱۲۲۴ - ۲۹۱۲۲۵ - ۲۹۱۲۲۶ - ۲۹۱۲۲۷ - ۲۹۱۲۲۸ - ۲۹۱۲۲۹ - ۲۹۱۲۳۰ - ۲۹۱۲۳۱ - ۲۹۱۲۳۲ - ۲۹۱۲۳۳ - ۲۹۱۲۳۴ - ۲۹۱۲۳۵ - ۲۹۱۲۳۶ - ۲۹۱۲۳۷ - ۲۹۱۲۳۸ - ۲۹۱۲۳۹ - ۲۹۱۲۴۰ - ۲۹۱۲۴۱ - ۲۹۱۲۴۲ - ۲۹۱۲۴۳ - ۲۹۱۲۴۴ - ۲۹۱۲۴۵ - ۲۹۱۲۴۶ - ۲۹۱۲۴۷ - ۲۹۱۲۴۸ - ۲۹۱۲۴۹ - ۲۹۱۲۵۰ - ۲۹۱۲۵۱ - ۲۹۱۲۵۲ - ۲۹۱۲۵۳ - ۲۹۱۲۵۴ - ۲۹۱۲۵۵ - ۲۹۱۲۵۶ - ۲۹۱۲۵۷ - ۲۹۱۲۵۸ - ۲۹۱۲۵۹ - ۲۹۱۲۶۰ - ۲۹۱۲۶۱ - ۲۹۱۲۶۲ - ۲۹۱۲۶۳ - ۲۹۱۲۶۴ - ۲۹۱۲۶۵ - ۲۹۱۲۶۶ - ۲۹۱۲۶۷ - ۲۹۱۲۶۸ - ۲۹۱۲۶۹ - ۲۹۱۲۷۰ - ۲۹۱۲۷۱ - ۲۹۱۲۷۲ - ۲۹۱۲۷۳ - ۲۹۱۲۷۴ - ۲۹۱۲۷۵ - ۲۹۱۲۷۶ - ۲۹۱۲۷۷ - ۲۹۱۲۷۸ - ۲۹۱۲۷۹ - ۲۹۱۲۸۰ - ۲۹۱۲۸۱ - ۲۹۱۲۸۲ - ۲۹۱۲۸۳ - ۲۹۱۲۸۴ - ۲۹۱۲۸۵ - ۲۹۱۲۸۶ - ۲۹۱۲۸۷ - ۲۹۱۲۸۸ - ۲۹۱۲۸۹ - ۲۹۱۲۹۰ - ۲۹۱۲۹۱ - ۲۹۱۲۹۲ - ۲۹۱۲۹۳ - ۲۹۱۲۹۴ - ۲۹۱۲۹۵ - ۲۹۱۲۹۶ - ۲۹۱۲۹۷ - ۲۹۱۲۹۸ - ۲۹۱۲۹۹ - ۳۰۰۰۰۰

آموزش جوانان روستائی، زیربنای کشاورزان آزموده فردا است

مجله کشاورزی

مجله علمی و فنی

(فصلنامه)

کتابخانه مرکزی وزارت کشاورزی

- حوزة : بیماری واگیر بچماندازی در دامها و تب مالت در انسان
- نویسنده : هوشنگ فرحزاد
- نایب : سازمان ترویج کشاورزی
- تاریخ انتشار : سال ۱۳۶۸
- تیتر : / ۱۰۰۰۰۰ جلد
- نوع چاپ : اول
- قیمت : ۶۰ ریال
- چاپ در چاپخانه : رودکی
- جهت استفاده : جوانان روستائی (سنین دوره، راهنمائی)
- مصوب جلسه شماره ۲۳ مورخه ۱۳۶۵/۷/۱۲
- شماره ثبت ۸۸/۸۳ مرکز اسناد و مدارک علمی کشاورزی

نشانی : تهران - بزرگراه شهید چمران - خیابان تابناک - باغ کشاورزی

سازمان ترویج کشاورزی - واحد انتشارات فنی - کد پستی ۱۹۳۹۵ - تلفن ۲۹۴۱۶۴

بچه‌های مدرسه راهنمایی روستای گندم‌کار، با صدای زنگ مدرسه که توسط ناظم مدرسه بصدا درآمده بود به یکباره بطرف کلاسها هجوم آوردند، هر کسی سعی میکرد زودتر از دیگران وارد کلاس بشود.

مبصر کلاس، سعی می‌کرد، بچه‌ها را ساکت نماید: " بچه‌ها ساکت! ساکت!! و با دست چندبار روی نیمکت کوبید.

- آقا معلم وارد کلاس سوم " الف " شد. مبصر با صدای بلند گفت:

- بر پا!!

- آقا معلم با صدای آرامی گفت:

- " بفرمائید بنشینید بچه‌ها "

سپس پرسید: " مبصر!! کی غایبه؟ "

مبصر فوراً " جواب داد: " هیچ کس آقا، همه حاضرند. "

معلم دوباره پرسید: " درس امروز چیه؟ "

باز مبصر از جایش بلند شد و گفت: " آقا، آقا این ساعت انشا داریم. "

معلم رو کرد به کلاس و گفت:

- " بچه‌ها پیشنهاد میکنم، این ساعت درباره موضوعی صحبت کنیم "

همه بچه‌ها خوشحال شدند، چون مثل ساعت‌های انشاء قبل، دیگر آقا معلم یکی، یکی بچه‌ها را صدا نمی‌کنه که جلو همه آنها در مورد " علم بهتر

است یا ثروت " یک جور انشاء بخوانند . (من اعلم و لیس)

احمد گفت : " آقا اجازه ، درباره چه موضوعی باید صحبت کنیم ؟ "

آقا معلم گفت : " درباره هر موضوعی میتوانید صحبت کنید ، اما بهتره -

که یک موضوعی را انتخاب و درباره آن موضوع فقط صحبت کنیم . "

هادی گفت : " آقا معلم اجازه . ، در مورد گاومش حسن که دیشب

گوساله انداخته و گوساله اش مرده صحبت کنیم ، مش حسن خیلی خیلی

ناراحت بود . "

تقی گفت : " پس آقا در مورد چند تا از گوسفندای بابام هم که

بتازگی چند تاشون زائیدن و دو تا از میشها بره هاشونو انداختن هم

میتوانیم صحبت کنیم ؟ "

آقا معلم که از صحبت های هادی و تقی خوشحال شده بود گفت :

- " خوب بچه ها ! اگر موافق باشید در مورد گاومش حسن و گوسفندهای

مش نقی ، پدر تقی ، که بتازگی گوساله و بره انداختن صحبت می کنیم . "

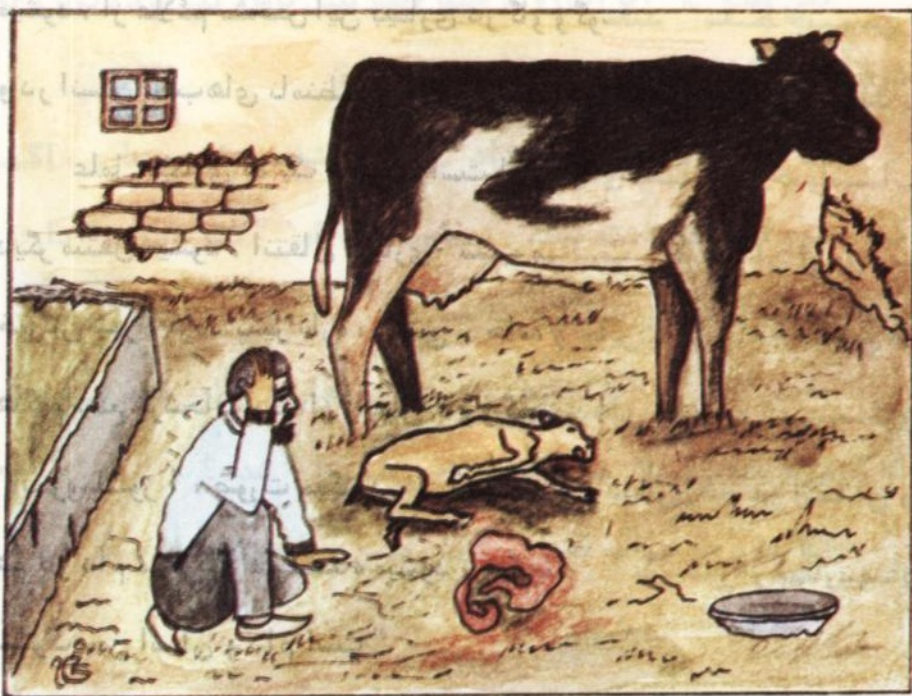
بهروز که ته کلاس نشسته بود گفت : " آقا اجازه ، شما میدانید که چرا

گاومش حسن و دو تا از میشهای مش نقی گوساله و بره انداختن ؟

حسین گفت : آقا حتما " علف سمی خوردن یا اینکه با چوب زدن به " شکم

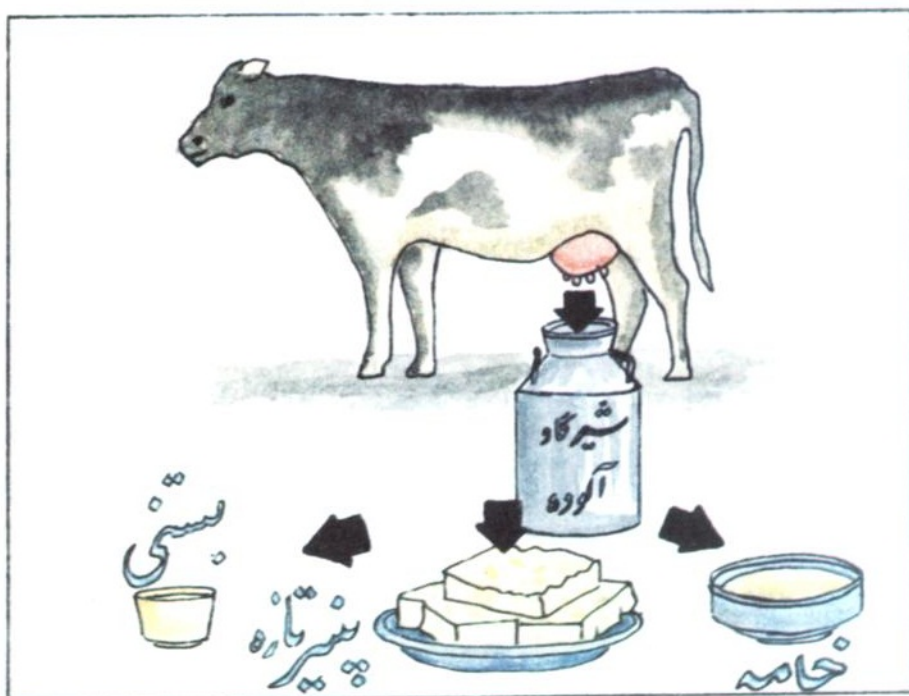
زبون بسته ها .. !!

آقا معلم پاسخ داد : نه حسین ! > جوانهای زبان بسته ، نه علف



سمی خوردن و نه کسی با چوب به شکمشون زدن .
 هادی گفت : " آقا اجازه ، پس برای چی گاو مش حسن ، گوساله ، و
 میش‌های مش نقی ، بره انداختن ؟
 آقا معلم جواب داد : " بچه‌ها در بین حیوانات اهلی مثل گاو و -
 گوسفند یک نوع بیماری وجود دارد که عامل آن میکروب خطرناکی است .
 این بیماری در انسانها هم وجود دارد و بنام " تب مالت " یا بیماری
 هزار چهره معروف است ولی در گاو و گوسفند " بروسلوز " نامیده

میشود . از علائم مشخص این بیماری در گاو و گوسفند " سقط جنین " و در انسان ، تب های نامنظم ، کمر درد ، سردرد و درد مفاصل میباشد . عامل بیماری که یک میکروب است از راه های مختلف به حیوانات دیگر منتقل میشود . انتقال بیماری " تب مالت " در انسان از راه خوردن شیر ، کره ، پنیر تازه ، بستنی ، خامه و تماس با دام ، بخصوص در هنگام دفع ترشحات بعد از زایمان گاو و گوسفندهای مبتلا به بیماری " بروسلوز " ، صورت میگیرد . از آنجا که این بیماری هم در انسان و هم در دام مشترکاً " دیده میشود ، میگویند : " بروسلوز از بیماریهای مشترک بین انسان و دام است "



تقی گفت : " آقا اجازه ، چند وقت پیش بابام تب کرده بود و کمر درد داشت آیا علت آن " تب مالت " بوده؟

آقا معلم به آرامی پاسخ داد : " برای تشخیص این بیماری ، اگر کسی تب و کمر درد داشته باشد ، نمیشود گفت که : " تب مالت " دارد - بلکه باید به پزشک مراجعه کرد . "

هادی گفت : " آقا اجازه ، مش حسن بیچاره ، چطور باید می فهمید که گاوش مریضه و مبتلا به بیماری " بروسلوز " شده؟

آقا معلم در جواب گفت : " مش حسن و یا هر دامدار دیگری در -



روستای "گندم کار" باید هر سه ماه یکبار به اداره دامپزشکی برای آزمایش دامهایش اطلاع بدهد.

بهر روز باز از ته کلاس گفت: "آقا معلم، دامپزشکها از کجا متوجه

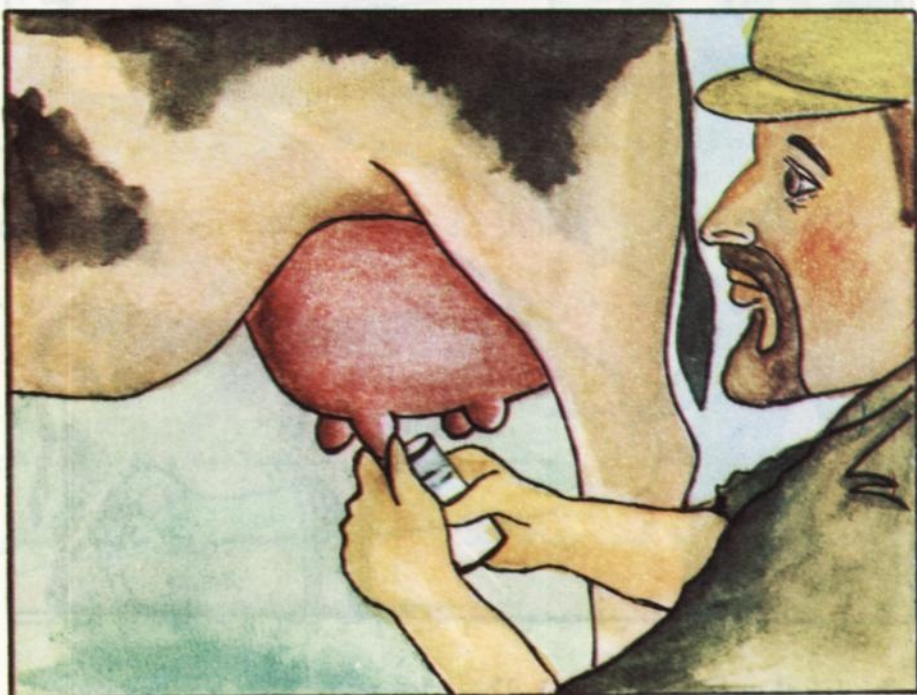
می‌شوند که گاو و گوسفند دامداری، مبتلا به بیماری "بروسلوز"

گردیده است؟



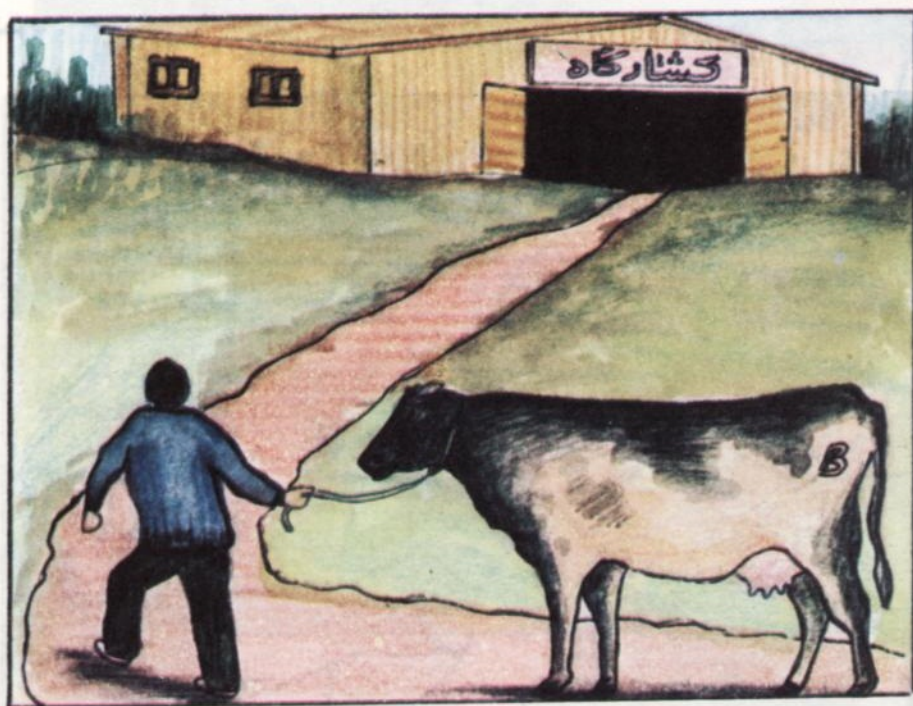
معلم گفت: " بچه‌ها ماء مورین اداره دامپزشکی ، با خون گیری از—
گاوها و گوسفندان و فرستادن خون دامهای دامداران روستاها به
آزمایشگاه و آزمایش شیر دامها ، تشخیص میدهند که حیوان مبتلاء به
بیماری " بروسلوز " گردیده یا خیر

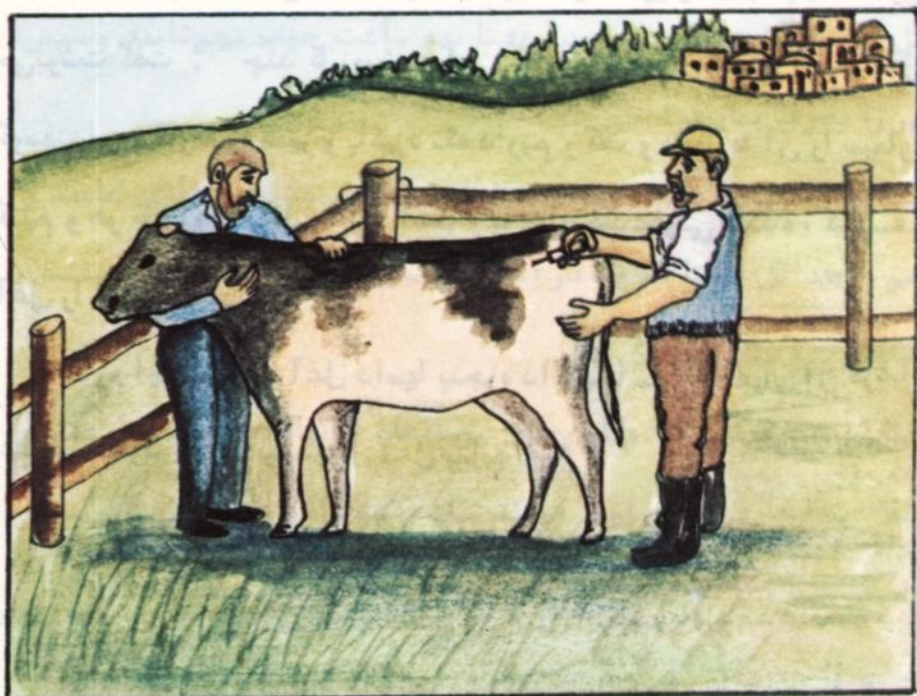
پس از اطلاع از نتیجه آزمایش خون و شیر دامها ، اگر دامهای مورد
آزمایش به بیماری " بروسلوز " مبتلاء شده باشند ، دامپزشک موضوع را به
دامدار اطلاع میدهد و دامدار ، بایستی زیر نظر اداره دامپزشکی و با
معرفی دامپزشک ، دامهای مبتلاء خودش را جهت کشتار ، به کشتارگاه
شهر ببرد زیرا اینگونه دامهای مبتلاء به " بروسلوز " را نباید در ده کشتار
نمود .



اگر دامدارهای یک آبادی، دامهای مبتلا به "بروسلوز" خودشان را طبق دستور دامپزشک به کشتارگاه شهر نبرند، اولاً: سایر دامهای دامداران نیز مبتلا به این بیماری میشوند، ثانياً: مردم آبادی هم که از شیر و پنیر و کره و خامه این دامها می‌خورند نیز "تب مالست" میگیرند.

هادی گفت: آقا! چکار کنیم که گاو و گوسفندهای ما مبتلا به ایمن بیماری خطرناک که باعث مرگ گوساله‌ها و بره‌ها و در نتیجه موجب خسارت زیاد به دامداران میشود، نگردند؟





آقا معلم در حالی که به ساعتش نگاه میکرد پاسخ داد :

" باید برای گوساله‌های ماده از چهار تا هشت ماهگی و به کلیه بره و بزغاله‌ها اعم از نر و یا ماده واکسن " بروسلوز " تزریق کنیم . واکسن باعث میشود که ، گوساله‌های ماده و بره و بزغاله‌ها مدت‌ها باین بیماری خطرناک دچار نشوند . ماء‌مورین اداره دامپزشکی پس از تزریق واکسن به دامها آنها را علامت و یا شماره گذاری میکنند . "

ابوالفضل که تا این ساعت گوشه کلاس نشسته بود و به صحبت‌های

آقا معلم و بچه‌ها گوش میداد گفت : " آقا اجازه ، چون ما پدرومون گاو و گوسفند زیاد داره میخواستم بی‌رسم که چکار باید کرد تا گاوها و

گوسفندها به این بیماری خطرناک مبتلا نشوند ؟ "

آقا معلم در حالی که با خودکار در دفتر حضور و غیاب چیزی می‌نوشت گفت: "چند کار میشود کرد. اول اینکه بایستی آغل گوسفندان و گاوها را تمیز و پاکیزه نگه داریم و کف و دیواره آن را سیمان کنیم و هر چند روز یکبار با آب آهک و یا مواد ضد عفونی کننده، کف آغل را مرتبا بشوئیم.

دوم اینکه، باید آغل دامها پنجره داشته باشد تا هوای آن مرتبا عوض بشود و آفتاب داخل آغل بتابد.

سوم اینکه، باید هر سه ماه یکبار از همه دامها آزمایش خون و شیر بعمل بیاید و همه دامدارها باید این کارها را حتما انجام بدهند. چهارم اینکه، گوساله های ماده از سن چهارماهگی تا هشت ماهگی و برهها و بزغالهها را اعم از نر و یا ماده از سن سه تا یازده ماهگی برعلیه بیماری "بروسلوز" واکسن بزنند.

پنجم اینکه، چون احتمال سرایت بیماری "بروسلوز" از گوسفندان به گاوها و یا بلعکس از گاوها به گوسفندان وجود دارد بهترین کار جدا کردن آغل گوسفندان و گاوها از یکدیگر و با فاصله زیاد میباشد.

بهروز پرسید: آقا مردم آبادی چکار بکنند که خدای نخواسته به

بیماری "تب مالت" مبتلاء نشوند؟

آقا معلم ضمن قورت دادن آب دهانش گفت:

"اولا"، شدیدا از خوردن شیر نجوشیده خودداری نمایند و شیر را قبل از مصرف حداقل بیست دقیقه تا نیم ساعت خوب بجوشانند و سپس شیر را مصرف نمایند.

ثانیا، از خوردن خامه نجوشیده، پنیر تازه و بستنی خودداری نمایند و پنیر را حداقل دو تا سه ماه در آب نمک نگهداری و سپس آنرا مصرف کنند.

ثالثا، در روستای گندم کار و سایر روستاها، خانواده‌هایی که دامهای مبتلا به بیماری "بروسلوز" دارند نباید شیر دامهایشان را به هم دیگر قرض بدهند و یا بقول شماها "شیروره" یا "شیر بهره" بکنند.



رابعا " که از همه مهمتر است باید دامداران آبادی‌ها با ماء‌مورین اداره - دامپزشکی که برای تشخیص و یا واکسن زدن به روستاها مراجعه میکنند همکاری کرده و طبق راهنمایی آنها عمل نمایند .
و در آخر از نقل و انتقال دامهای آلوده به بیماری " بروسلوز " بسه روستاهای دیگر خودداری کنند . "



تقی گفت : آقا من پیشنهاد میکنم تا همه بچه‌های کلاس حرفهای امروز را برای پدر و مادر خود توضیح بدهند .

آقا معلم که آثار خستگی در صورتش ظاهر شده بود با لبخند گفت :
" بسیار پیشنهاد خوبی است ، من هم پیشنهاد میکنم که هفته آینده شما خلاصه صحبت‌های امروز این کلاس را بنویسید و عکس یک دامدار را که مبتلا به " تب مالت " شده نقاشی کنید . "

حسین گفت : آقا اجازه ، آقا اجازه !!

در همین وقت زنگ مدرسه بصدادرآمد و معلم گفت :
" بچه‌ها انشاءا... جلسه آینده در این باره صحبت میکنیم " و به آهستگی از درب کلاس خارج شد .

.. پایان ..

